

۶. سخن آخر، قدم اول

تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد که در تعامل بیشتری با علم آمار است را می‌توان به یک سفر فضایی تعبیر کرد (سیندیون). سیاست‌گذار مانند یک فضانورد سعی در رسیدن به یک هدف دارد که این هدف کاملاً آشکار ولی در مسافتی دور قرار دارد. برای رسیدن به این هدف، علائم و راهنماهایی لازم است که قابل اندازه‌گیری و ره‌گیری باشند. نبود این موارد می‌تواند منجر به گم شدن در مسیر شود. در این ایستگاه زمینی است که می‌تواند تمام مسیرهای ممکن را برای وی شناسایی کرده و مخابره کند.

چنین سفری سه ویژگی بارز دارد:

هدف مشخص، علائم راهنمایی قوی و فردی که با چشم‌اندازی مانند خلبان هلی‌کوپتر، علائم و هدف را با هم در نظر داشته باشد. نخستین پیش‌شرط برای موفقیت در این مسافرت، فرموله کردن شفاف هدف است. در نگاه نخست، شاید بتوان برای اکثر حوزه‌های سیاست‌گذاری، مانند حوزه اقتصاد، اهداف روشنی تعریف کرد مانند: رشد اقتصادی، اشتغال، کاهش تورم و ... بدیهی است که در تمام حوزه‌های تصمیم‌گیری، علائم راهنمایی قوی، ثابت و دائمی، برای طی مسیر، اهمیت زیادی دارند. این همان نقطه‌ای است که به آمار تعلق دارد چراکه بسیاری از آمارها و اطلاعات، نشانی از ثبات نقش دارند. البته برخی از آمارها در حکم ستاره‌هایی دنباله‌دار هستند، برخی دیگر مانند شهاب‌سنگ‌ها بوده که به سمت زمین حرکت می‌کنند و پاره‌ای نیز مانند شهاب ثاقب

هستند. آمارهایی که مانند شهاب‌سنگ‌ها راهی زمین می‌شوند، مواردی هستند که برای آنها تقاضای ثابت و دائم وجود دارد و عمدتاً این آمارها پذیرفتنی و قابل قبول هستند. مانند حساب‌های ملی هر کشور و یا آمارهای اقتصادی. برخی از آمارها هستند که نقش و میزان اهمیت آنها دستخوش نوسان بوده و طبیعتاً تقاضا برای آنها براساس شرایط مختلف متفاوت است. این آمارها را می‌توان به همان ستاره‌های دنباله‌دار توصیف کرد. مانند آمارهای سبز که به دلیل توجه به مسائل زیست‌محیطی، در مقاطعی به شدت مورد توجه سیاست‌گذاران و رسانه‌ها بوده و در حال حاضر با توجه به تغییر نگرش‌ها به محیط زیست و تغییر برخی اولویت‌ها، این آمارها نیز دستخوش دگرگونی در محاسبه و تولید می‌شوند.

در مورد آمارهایی که مانند شهاب ثاقب هستند نیز می‌توان به مواردی مانند مباحث پولی و سیاست‌گذاری‌های پولی اشاره کرد. این‌گونه آمارها، زمانی به موارد اختلاف بین چند نظریه یا سیاست‌گذار می‌پردازد که از آنها تعبیر مختلفی وجود دارد و به محض اینکه طرفین موضوع به مطلب نپردازند، علاقه‌مندی به تهیه و تولید این آمارها نیز از بین می‌رود و دیگر این موارد مورد توجه نخواهند بود.

آینده از آن کسانی است که از امروز به آن فکر کنند. علم آمار یکی از ابزارهای راهبردی برای تصمیم‌سازان آینده است.

متأسفانه در ایران به‌رغم تمام شایستگی‌ها و توان بالقوه موجود، نه تنها مباحث آینده‌شناسانه در حوزه آمار تعریف نشده است، بلکه نیازهای روز نیز یا شناسایی نشده‌اند و یا در مورد بخشی از آنها تدارک درستی دیده نشده است.

در حال حاضر میل و گرایش به سوی انجام فعالیت‌ها و پروژه‌هایی به‌منظور استفاده از آمار و تحلیل‌های مرتبط با آن، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. نمود این مسئله را می‌توان در بسیاری از پروژه‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات و ... در تمامی علوم از جمله اقتصاد، پزشکی، علوم اجتماعی و ... یافت. همین علاقه و میل به استفاده بیشتر از آمار در فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی باعث شده است که افرادی که اطلاعات کمی از این رشته دارند

نیز وارد عمل شده و به دلایل گوناگون، به انجام تحلیل‌ها و یا تولید آمار می‌پردازند و ناگفته پیداست که بهره‌مندی ناکافی ایشان از این علم منجر به نتایج اشتباه و گاه وارونه می‌شود.

از سوی دیگر، دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی نیز به تولید آمار و یا تحلیل‌های آن می‌پردازند و این مسئله نیز گاهی مزید بر علت ناکارآمدی آمارها است.

آمار همواره یک شمشیر دو لبه بوده و به قول یکی از اساتید این رشته، آمارها دروغ نمی‌گویند ولی گاهی اوقات افراد آن را به هر شکل که بخواهند تبدیل و تفسیر می‌کنند. همین امر منجر به یک بی‌اعتمادی عمومی نسبت به صحت آمارها می‌شود. در کشورهای پیشرفته اعتماد به نتایج طرح‌های آمارگیری در بین مردم از درجه بالایی برخوردار است که شاید یکی از دلایل آن، شفافیت بسیار زیاد و به‌کارگیری آن در مواقع مناسب و به‌جا است. مردم در این کشورها اگرچه گاهی اوقات تمایلی به همکاری با آمارگیران و یا ارائه اطلاعات ندارند ولی به‌دلیل عدم ورود سؤالات و اطلاعات درخواست‌شده آماری به حیطه شخصی افراد، این عدم ارائه ناشی از بی‌اعتمادی نیست. در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه از جمله ایران، به‌رغم پشتوانه‌های قوی علمی از بعد نظری در زمینه آمار، به‌دلیل استفاده نابجا از آمارها و عدم شفاف‌سازی لازم و ایجاد شک در میان مردم جامعه به‌دلیل عدم اطمینان به رعایت حقوق شخصی و حفظ اسرار و همچنین عدم شناخت نهادهای اقتصادی، اجتماعی و ... از نوع توانمندی‌های آمار و مسائلی که این رشته می‌تواند حل کند، علم آمار مهجور واقع می‌شود. از سوی دیگر، دخالت افراد مختلف که اطلاعات کمی از این دانش دارند، در انجام پروژه‌های آماری و یا تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، باعث شده که اختلاف‌ها و اشکال‌های زیادی به آمار منتسب شود و همین امر، دلیل دیگری بر ایجاد شک و شبهه در مورد نتایج آن است. در کنار مسئولان و محققان ناآشنا و نامرتب با آمار، گروهی از اساتید و محققان آمار وجود دارند که با تکیه صرف بر بخش نظری، از کاربردی شدن مبانی این علم جلوگیری می‌کنند که این نیز به‌نوبه خود مشکل‌افزاست.

علاوه بر این موارد می‌توان به پیچیدگی و دوپهلوی بودن قوانین آماری کشور اشاره کرد که در این هنگام قانون‌گذاران هم بدون در نظر گرفتن جایگاه و تجربه نهادهای آماری، آنها را درگیر حواشی و دوباره‌کاری کرده‌اند. این مسئله اکنون مدتی است که بیش از گذشته نمود یافته و گاهی اوقات شکل رویارویی به خود گرفته است. در این زمینه به گزارش دیگری از همین گروه با نام قوانین آماری، ابهامات و مشکلات ۱۳۸۷ رجوع کنید.

با توجه به تأثیر مثلث مشکلات آماری کشور یعنی (۱) ورود افراد غیرمتخصص در این زمینه چه به صورت تصمیم‌گیرنده و مسئول و چه به صورت محقق (۲) تکیه اساتید و محققان این رشته بر جنبه‌های سنگین نظری و غیرشفاف برای جامعه و (۳) قوانین نامعلوم و دوپهلوی و گاه ناقص یکدیگر، روی جامعه‌ای که به آمار، بیشتر به دید شک و شبهه می‌نگرد، نمی‌توان آینده‌چندان روشنی متصور بود. شاید برای بهبود افق پیش روی، ضمن پرهیز از استفاده‌های سیاسی نادرست از آمار توسط مسئولان، استفاده آماردانان از اهل فن در بخش‌های تصمیم‌گیری و تحقیقاتی، تعهد به ارائه آمارهای دقیق و بدون دخالت نهادهای مختلف در تهیه و ارائه آمار و از همه مهم‌تر، فرهنگ‌سازی ریشه‌ای در جامعه به صورتی که باورهای عمومی جامعه و نه تنها بخش تخصصی، هدف قرار گیرد، بتواند موجب بهبود وضعیت آینده آمار در ایران شود. از جمله موارد دیگری که می‌توان به آن پرداخت عبارتند از:

۱. بهبود و به‌روزرسانی آموزش آمار در سطوح مختلف تحصیلی؛
۲. ورود دانش IT و استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و برنامه‌نویسی‌های کاربردی جدید کامپیوتری به دروس دانشگاهی؛
۳. ارتباط بیشتر دانشجویان به‌ویژه در گرایش‌های کاربردی آمار با سایر حرفه‌ها، صنایع و بخش‌هایی که آمار در آنها کاربرد دارد؛
۴. بالا بردن سواد آماری مردم و جامعه و ترغیب ایشان به همکاری در زمینه فعالیت‌ها و طرح‌های آماری؛

۵. بازنگری قوانین و تخصصی کردن آمار در دستگاه‌ها با در نظر گرفتن وضعیت موجود، به‌عنوان مثال، مأموریت بانک مرکزی تنها در مورد آمارهای اقتصادی به‌دلیل سابقه، تجربه و داشتن توان لازم و یا مأموریت مرکز آمار ایران تنها در مورد آمارهای جمعیتی، ثبتي و ... و یا سایر نهادهای دیگر به‌صورتی که تداخل وظایف نداشته باشند؛

۶. تغییر شکل و ماهیت انجمن آمار از یک نهاد تشریفاتی و کم‌تحرک به یک نهاد پویا و مرتبط با تمامی ارکان مرتبط با آمار در سطوح مختلف؛

۷. ترغیب مسئولان و محققان سایر رشته‌ها به استفاده از آماردانان در انجام فعالیت‌ها و عدم ارائه نظرات غیرکارشناسی و یا صرفاً متکی بر برداشت فردی و شخصی در مورد آمار؛

۸. بالا بردن سطح تلقی و درک مسئولان از مزایای استفاده از آمار در تصمیم‌گیری‌ها.

با این تفاسیر شاید بتوان به توسعه و پیشرفت آمار در کشور که پایه و اساس پیشرفت کل کشور خواهد بود، امیدوار بود. باید توجه داشت که آینده‌نگری در مورد آمار و برنامه‌ریزی صحیح درباره آن، می‌تواند آینده کشور را بهتر تأمین کند و این مهم جز با همت و علمی‌نگری آماردانان و مسئولان به‌دست نخواهد آمد.

www.csr.ir

فهرست منابع و مآخذ

۱. فردریک ملک، قوانین آماری، ابهامات و مشکلات، مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش شماره ۲۴-۸۶-۲-۰۴.
2. Scanning the Future (1992), *Central Planning Bureau*, Sdu Publishers the Hugne.
3. Bunzel Henning (1993), *Handling Statistical Meta-information Vsing IsIs/ul*, Statistical Meta-information Systems Workshop Eurostat.
4. Dincan, J. W. & Gross, A., (1993), *Statistics for the 21th Century*, The Dun of Bradstreet Corporation.
5. Fellegi, Ivan (1991), "Maintaining Public Confidence in official Statistics", *Journal of the Reyal Statistical Socicty*; 154(1).
6. Bergeigk, P. A. G. Van, (1994), *On the Accuracy of International Economic Observations*, Bulletin of Economic Research.
- Zoltah Kenessey, (1994), *International Statistical Institute*, ISBN: 9077592-11-9.

مرکز تحقیقات استراتژیک